تبیین مؤلفه‌های اساسی ساختار خانه‌های عرفی اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی

پریسا محمد حسینی*، علی اکبر حیدری **

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

چکیده
خانه به‌عنوان یک واحد فرهنگی – اجتماعی محصول برهم‌کنش الگوهای مسکن و سکونت انسان است که در قالب الگوهای رفتاری (شیوه زندگی) و الگوهای فضایی – کالبدی نمود می‌یابد. تحقیق حاضر در جستجوی چگونگی نمودپذیری الگوهای مذکور در ساختار خانه‌های عرفی است. از همین رو، ۱۵ خانه مربوط به طبقه متوسط و مردم عادی شهر اردبیل که از دوران اواخر قاجار و اوایل پهلوی به‌جای مانده‌اند، به‌عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و با مراجعه به آن‌ها و انجام مصاحبه با ساکنین آن‌ها، سعی در بررسی موارد موردنظر شده است. هدف پژوهش حاضر، ارائه مدلی جهت معرفی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی یا مردمی و تبیین ابعاد و ارتباطات میان مفاهیم و مؤلفه‌های دخیل در ساختار این خانه‌ها تعریف شده است. روش تحقیق حاضر کیفی و روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، استدلال استقرایی و تحلیل تفسیری است. فرایند تحقیق در سه مرحله انجام شده است: در مرحله نخست، مبانی نظری تحقیق گردآوری و از آن چهارچوب نظری استخراج گردید. در چهارچوب نظری به نقش کلیدی عامل «انتخاب» به‌عنوان عامل انتقال مفاهیم از امکانات و قابلیت‌های محیط به معانی و الگوها تأکید شده است. در مرحله دوم به‌منظور سنجش چهارچوب نظری به‌دست‌آمده، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل الگوهای فضایی – کالبدی و نیز الگوهای رفتارهای جاری در سه سطح کلان، میانی و خرد خانه‌ها انجام و سپس مسیر شکل‌گیری ساختار خانه‌ها بر مبنای چهارچوب نظری ترسیم و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن استخراج شد. در مرحله سوم مدل نهایی تحقیق، بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، ترسیم گردید. بر اساس نتایج تحقیق فرهنگ، جامعه، اقلیم و اقتصاد چهار عامل زمینه‌ای مؤثر در شکل‌گیری ساختار خانه‌های اردبیل به شمار می‌روند. همچنین عامل «انتخاب» موجب تولید معانی مرتبط با مسکن و سکونت، ازجمله عوامل زمینه‌ای شده است که از برهم‌کنش معانی، مؤلفه‌های فضایی – کالبدی اساسی ساختار خانه‌های عرفی اردبیل یعنی «انعطاف‌پذیری کالبدی و عملکردی»، «ملاحظات اقلیمی در خانه‌ها»، «شباهت ساختاری خانه‌ها» و «عدم تشخص و تمایز خانه‌ها» نمود یافته است.

کلمات کلیدی: خانه‌های عرفی، الگوهای رفتاری، الگوهای فضایی و کالبدی، انتخاب، اردبیل.

* دکتری معماری، مدرس دانشگاه، اردبیل، ایران.
** استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. aliakbar_heidari@iust.ac.ir

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]

[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

مقدمه

اردبیل شهری با قدمت تاریخی است و خانه های تاریخی آن چون میراثی ارزشمند از گذشتگان آن به شمار می روند. میراثی که با فراگیر شدن زندگی مدرن و معماری های جدید، به مرور در سایه فراموشی قرار گرفته است. این موضوع درباره خانه‌های عرفی مردم عادی، به علت شرایط فیزیکی و ساختمانی آن ها، جای تأمل بیشتری دارد. لذا لازم است که این خانه ها شناخته و شناسانده شوند، چه بسا حاوی نکاتی ارزشمند برای امروز باشند.

خانه یک واحد فرهنگی - اجتماعی است (Rapoport, 1969). به‌بیان‌دیگر «فرهنگ» و «جامعه» دو عامل زمینه‌ای در تحقق الگوهای شکل‌دهنده ساختار خانه هستند. خانه محصول برهم‌کنش الگوهای مسکن و سکونت انسان است. این الگوها به‌صورت الگوهای فضایی - کالبدی و الگوهای رفتارهای جاری (شیوه زندگی) نمود می یابند. مسئله تحقیق حاضر در ابتدا کشف تمامی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی (علاوه بر فرهنگ و جامعه) و تبیین ارتباطات و چگونگی اثرگذاری آن‌ها، و دوم جستجوی الگوهای مذکور و تبیین چگونگی برهم کنش آن ها برای شکل‌دهی به ساختار خانه ها است. در این میان عامل «انتخاب» به‌مثابه قوه اختیار انسان در شکل دادن به محیط زندگی و نحوه رفتار خود، به‌طور خاص و مؤکد مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. توجه به عامل انتخاب در مطالعه محیط مصنوع مهم و قابل‌توجه است، زیرا راه‌حل‌ها و شیوه‌های برخورد مردم در برابر مسائل و نیازهای خاص را تبیین می‌سازد. محیط نتیجه بی‌شمار تصمیم ظاهراً منفرد است که در طی نسل‌ها یک کل قابل‌تشخیص می‌سازد (Rapoport, 2003). بنابراین چهارچوب نظری تحقیق در این پژوهش باتوجه‌به این موضوع شکل گرفته است. به‌منظور سنجش چهارچوب نظری تحقیق، تعداد ۱۵ خانه عرفی مربوط به دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی در بافت تاریخی اردبیل انتخاب شدند و عوامل مؤثر در ساختار خانه‌ها از طریق پیگیری روند شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فضایی - کالبدی مربوط به آن‌ها استخراج گردید. پرسش‌هایی که تحقیق به دنبال پاسخ به آن‌ها است به شرح زیر هستند:

۱. مؤلفه های اساسی در ساختار خانه های عرفی اردبیل چیست؟

۲. روند شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی اردبیل چگونه بوده است؟

۳. نقش عامل «انتخاب» در شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی اردبیل چه بوده است؟

مروری بر ادبیات موضوع

معماری عرفی اردبیل

معماری عرفی معمولاً به نمونه های بومی موجود در پیرامون انسان و نمونه های طبیعی یا معماری همخوان با محیط اشاره دارد. خانه های مردم طبقه متوسط و عادی اردبیل در دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی، یعنی پیش از ورود مدرنیسم و مظاهر آن به اردبیل را می توان خانه های عرفی اردبیل محسوب کرد. این خانه‌ها نتیجه تجربیات نسل‌های بسیار بوده و بر اساس شرایط عرفی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ساخته شده‌اند (خوش‌اندام و همکاران، ۱۳۹۷). بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش ها و تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت است (راپاپورت، ۱۳۸۸). می‌توان اذعان داشت رفتارهای روزانه که مبتنی بر کنش های متقابل انسان و محیط شکل می گیرد، به همراه هنجارهای اجتماعی - فرهنگی، مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده معماری مسکونی عرفی به شمار می‌روند (خاکپور و همکاران،۱۳۹٤، ۳).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]

[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

در جوامع سنتی به علت وجود اشتراکات فرهنگی و اجتماعی، الگوها نیز در بین مردم مشترک بوده است. الگوها در دو دسته الگوهای رفتاری و الگوهای فضایی - کالبدی جای دارند. طبق یافته های علوم محیطی - رفتاری (EBS)، این دو گونه الگوها ارتباط متقابل با یکدیگر دارند (لنگ، ۱۳۸۱). محیط و رفتار آن‌چنان درهم‌تنیده شده‌اند که به‌سختی می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد (آلتمن، ۱۳۸۲، ۳۸). در خانه تعامل این الگوها هرچه بیشتر قابل کشف و مشاهده است. موضوع مهم درباره خانه الگوی فضاها است که توسط قراردادهای پیچیده درباره چیستی فضاها، چگونگی توالی و ارتباط آن ها با یکدیگر و چگونگی فعالیت‌ها مدیریت می‌شود (Hanson, 1998, 2). مجموع ویژگی‌ها و مختصات معماری هر منطقه به‌صورت الگوها منتقل می‌شود. لذا فهم و شناخت الگوها مناسب‌ترین راه برای شناخت معماری عرفی است.

چهارچوب نظری

الگوهای رفتاری و فضایی ماحصل انتخاب‌های مختلف و متعدد انسان‌ها در طول زندگی هستند. انسان با انتخاب از میان گزینه‌های مختلف، موقعیت‌هایی را برای خود فراهم می‌آورد که بیشترین هماهنگی را با نیازهایش داشته باشد. ساختار نظری و مفهومی که ارزش‌های افراد و رفتار و کنش‌های انتخابی را به هم مرتبط می‌نماید، مدل ابزار - غایت است که تلاش می‌کند گزینه‌های انتخابی افراد را با ارزش‌های اساسی و اهداف آن‌ها نسبت دهد (افشاری؛ پوردیهیمی و صالح صدق پور، ۱۳۹٤ به نقل از Coolen, 2008). در معماری نیز از میان امکانات و قابلیت‌های مختلف موجود در محیط، مواردی انتخاب می‌شوند که بیشترین سازگاری را با خواست‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان داشته باشد. بااین‌حال علاوه بر نیازهای مختلف انسان، موارد دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر کیفیت انتخاب‌های افراد تأثیرگذار باشند. ازجمله آن‌ها می‌توان به فرهنگ (سطح عالی فرهنگ شامل ارزش‌ها، ایدئال‌ها، ذهنیت‌ها، باورها، جهان‌بینی و سنت‌ها و ...) و جامعه (شرایط جامعه و طبقه اجتماعی) اشاره نمود. از نگاه بوردیو[1] جایگاه فرد در ساختار اجتماعی بیانگر میزان بهره‌مندی شخص از سرمایه‌های فرهنگی و نمادین، اجتماعی و اقتصادی است و این سرمایه‌ها ارتباط متقابل با هم دارند و موجب قوت و ضعف یکدیگر می‌شوند (Bourdieu, 1984, 1986). بنابراین مجموعه این موارد را می‌توان تحت عنوان «مولدهای انتخاب» نام‌گذاری نمود.

انتخاب‌ها از طریق الزاماتی چون قوانین، هنجارها، ارزش‌ها، انتظارات، بایدها و نبایدها که بر اساس مولدهای انتخاب تعریف می‌شوند، به شکل‌گیری معانی منجر می‌شوند. این الزامات تعیین می‌کنند که برای نیل به ارزش های خاص فرهنگی و اجتماعی چه کاری باید انجام شود و چه چیز انجام نشود. به‌طورکلی امکانات و قابلیت‌های قابل گزینش برای انسان در محیط های مادی و غیرمادی موجود است. ازنظر گیبسون[2] قابلیت های محیط چیزی است که به موجود پیشنهاد داده می‌شود. قابلیت ها برای موجودات معنادار هستند و فرصتی برای انجام نوعی رفتار خاص هستند (Gibson, 1979). قابلیت‌ها خصوصیات محیطی تأمین‌کننده معانی برای رویداد فعالیت ها و رخداد روابط اجتماعی انسان هستند و درصورتی‌که قابلیت‌های محیط برای تأمین معانی، برقراری روابط اجتماعی و جاری شدن زندگی انسان کارآمد نباشد، خصوصیات محیط برای ایجاد قابلیت مناسب پیوسته توسط معانی تغییر خواهند یافت (افشاری؛ پوردیهیمی و صالح صدق پور، ۱۳۹٤).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

ارزیابی پیوسته تطابق قابلیت‌های محیط و معانی به شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فضایی منجر می‌شود. البته لازم به ذکر است محیط مادی و غیرمادی نیز می‌تواند به‌نوعی در مولدهای انتخاب تأثیرگذار باشند و چه بسا در مقیاس کلی و در طول زمان موجب شکل‌گیری برخی باورها، ایدئال‌ها، منش‌ها و سلیقه‌ها نیز شود.

همان‌گونه که عنوان شد، نتیجه انتخاب در قالب نظامی از معانی در محیط نمود می‌یابد. این معانی دارای سطوح مختلف ابزاری، اجتماعی و نمادین هستند. معانی ابزاری شامل نخستین سطح از معانی است که به‌طور مستقیم و درباره قابلیت‌های یک محیط ادراک می‌شود. معانی اجتماعی به‌واسطه تعاملات میان افراد در یک محیط و قابلیت‌های آن محیط برای انجام چنین فعالیت‌هایی مورد شناسایی و استفاده قرار می‌گیرد و درنهایت معانی نمادین، مجموعه‌ای از معانی ارزشی و معنوی است که به‌واسطه وقوع رخدادی خاص در یک محیط، به آن محیط الصاق می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). مجموعه این معانی به تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها در ارتباط با یک محیط جهت داده و منجر به عینیت بخشیدن به نظامی خاص از الگوهای فضایی و الگوهای رفتاری در محیط موردنظر می‌شود. درنهایت، باتوجه‌به آنچه عنوان شد، چهارچوب نظری تحقیق که بر اساس آن فرایند شکل‌گیری ساختار خانه از طریق بروز الگوهای عینی رفتاری و فضایی – کالبدی به‌واسطه انتخاب‌هایی که از میان گزینه‌های محیطی شکل می‌گیرند، در تصویر شماره ۱ به نمایش درآمده است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی و روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، استدلال استقرایی و تحلیل تفسیری است. گردآوری اطلاعات موردنیاز برای انجام تحقیق از سه طریق انجام گرفته است: ۱) مطالعات اسنادی: جستجو در منابع کتابخانه‌ای به‌منظور آشنایی با موضوعات مربوط به معماری عرفی و بستر تحقیق؛ ۲) بررسی‌های میدانی: بازدید مستقیم از خانه‌ها و مشاهده فضاها و نحوه استقرار و روابط آن‌ها به‌منظور ترسیم نقشه‌های خانه‌ها، عکس‌برداری و ثبت مشاهدات؛ ۳) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: مصاحبه با ۳۶ نفر از افرادی که در خانه‌های قدیمی زندگی کرده‌اند یا خاطراتی از نحوه زندگی در خانه‌های قدیمی را دارند. به‌منظور ارزیابی و تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل تفسیری استفاده شده است. تحلیل تفسیری روشی تحلیلی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی ازطریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند و تم‌سازی است. این روش مبتنی بر تحلیل استقرایی است؛ یعنی با استنتاج مفاهیم و تم‌ها از داده‌های خام، به تحلیل موضوع تحقیق می‌پردازد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

مقوله‌بندی اولیه مصاحبه از چهارچوب نظری تحقیق استخراج شده است که شامل سه دسته کلی است: ۱) پرسش‌های مربوط به میزان و کیفیت سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌منظور آشنایی با وضعیت و جایگاه اجتماعی مصاحبه‌شوندگان؛ ۲) پرسش های مربوط به جزء فضاهای خانه که شامل پرسش‌هایی از فضاهای خانه، انتظام، ارتباطات و مشخصات آن‌ها بوده است. این پرسش‌ها با داده‌های حاصل از مشاهدات میدانی تطبیق داده شدند؛ ۳) پرسش‌های مربوط با نظام‌های فعالیت به‌منظور استخراج الگوهای رفتارهای جاری در خانه که شامل شیوه زندگی، آداب ورسوم، روابط اجتماعی و خانوادگی و ... بوده است. پس از پیاده‌سازی متون مصاحبه‌ها، داده‌های حاصل ازطریق بررسی و جستجوی شباهت‌ها

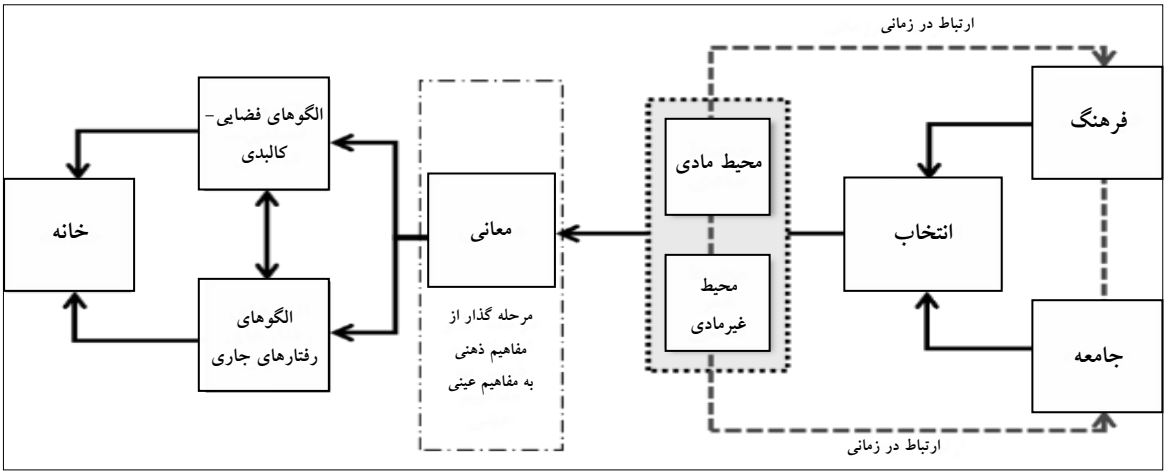
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

و ارتباطات مجدداً مقوله‌بندی گردید. مقوله‌بندی نهایی سطوح بررسی و تحلیل خانه‌ها را تعیین نمود.

به‌منظور انجام تحقیق تعداد ۱۵ خانه عرفی در شهر اردبیل به عنوان نمونه موردی انتخاب شد. خانه های منتخب خانه‌های عرفی، متعلق به دوره‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی یعنی پیش از ورود مدرنیسم و مظاهر آن به جامعه هستند. خانه‌ها در سه سطح کلان (جهت‌گیری، محوربندی، لایه‌بندی، نسبت توده و فضا و الگوی فضاها)، سطح میانی (جزء فضاهای خانه) و سطح خرد (مصالح، تزئینات و اثاث خانه) موردبررسی و تحلیل قرار گرفتند. سپس مسیر شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فضایی – کالبدی بر اساس روند تعریف‌شده در چهارچوب نظری تحقیق ترسیم گردید. درنهایت الگوهای فضایی – کالبدی که ساختار عینی خانه‌ها را شکل می‌دهند، بر اساس عوامل زمینه‌ای مولد آن‌ها دسته‌بندی شدند. استخراج عوامل زمینه‌ای موجب بازبینی چهارچوب نظری تحقیق و درنهایت تدوین مدل نهایی عوامل مؤثر در ساختار خانه‌ها شده است. در مدل مذکور ارتباطات مؤلفه‌ها و چگونگی برهم‌کنش آن‌ها نیز مشخص شده است.

بستر و مصادیق تحقیق

اردبیل شهری با سابقه تاریخی در شمال غرب ایران است. دوره سرما در این شهر طولانی و تابستان هایی کوتاه دارد. وجود منابع آب زیرزمینی، حاصلخیزی و سرسبزی از دیگر ویژگی های این سرزمین است که معلول وجود چشمه‌ها و رودهای پرتعداد و آب‌وهوای مطبوع آن است. در دوره های اواخر قاجار و اوایل پهلوی، مردم اردبیل ازلحاظ اقتصادی و سیاسی در وضعیت نه‌چندان مساعدی قرار داشتند (صفری، ۱۳۷۱، ج ۱، ۲ و۳). ازلحاظ اجتماعی اردبیل در دوران مذکور یک جامعه همگن ازلحاظ بافت اجتماعی، مذهبی و سنتی بود. از میان خانه‌های تاریخی موجود در بافت سنتی اردبیل، تعداد ۱۵ خانه از محلات مختلف برگزیده شده (جدول شماره ۱)، که نمونه‌های ۱ تا ٦ مربوط به دوره قاجار و نمونه‌های ۷ تا ۱۵ مربوط به دوره پهلوی اول است. در گزینش خانه‌ها سعی شده است خانه‌هایی انتخاب شوند که کمترین تغییرات را داشته باشند و امکان بررسی میدانی آن‌ها نیز وجود داشته باشد. در جدول شماره ۱، پلان خانه‌ها آورده شده است.



ت۱. دیاگرام چهارچوب نظری تحقیق

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

ج۱. نمونه‌های موردی تحقیق



یافته‌ها

در این بخش برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق و سنجش چهارچوب نظری تحقیق، بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده ازطریق مطالعات اسنادی، بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، داده‌های تحقیق تجزیه‌وتحلیل شده‌اند. در چهارچوب نظری تحقیق شکل گیری ساختار خانه از طریق برهم کنش الگوهای رفتارهای جاری و الگوهای فضایی - کالبدی به صورت سیر از مفاهیم (فرهنگ و جامعه) به مصادیق ترسیم شده است. در ادامه به منظور سنجش چهارچوب نظری تحقیق، تجزیه وتحلیل داده های تحقیق به صورت سیر از مصادیق به مفاهیم (مطابق با روش استقرائی)، پیگیری شده است. مصادیق کالبدی و رفتاری مواردی قابل‌مطالعه و ملموس هستند. لذا پیگیری سیر ترسیم‌شده در چهارچوب نظری از مصادیق به مفاهیم تسهیل می‌شود. به‌منظور حفظ انسجام مطالب، مقوله‌ها در سه مقیاس کلان، میانی و خرد دسته‌بندی شده‌اند. در هر مقوله الگوهای فضایی - کالبدی و رفتاری مربوط، تحلیل و تبیین شده است. لازم به ذکر است که چون در این تحقیق مراد استخراج الگوها و نحوه شکل‌گیری و اثرگذاری آن‌ها بر ساختار خانه‌ها است، مطالبی قید شده است که در اکثر خانه‌ها عمومیت دارد.

مقیاس کلان

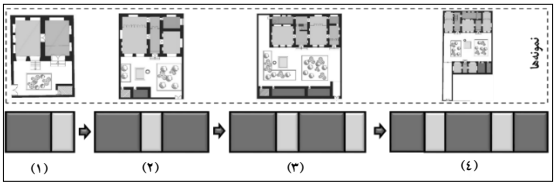
جهت‌گیری: باتوجه‌به آب‌وهوای سرد اردبیل و اهمیت گرمایش خانه‌ها، فضاهای مسکونی خانه‌ها عمدتاً رو به جبهه جنوب و جنوب شرقی داشته‌اند تا روند جذب انرژی خورشید از ساعات آغازین صبح شروع شود (جدول شماره ۱). بر همین اساس فضاهای اصلی زندگی در بخش شمالی حیاط ساخته می‌شدند و بخش جنوبی حیاط، عموماً به فضاهای خدماتی یا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

اتـاق‌هـای درجـه دوم اختصـاص مـی‌یافتنـد. محـل فعالیـت‌هـای روزانـه، اسـتراحت و نشسـتن در حیـاط معمولاً در جوار دیوار جنـوبی خانـه و در نـورگیرترین بخش حیاط قرار داشت. درواقع نور و سـایه در حیـاط موجب تعریف حـریم هـا و قلمروهـای فضـایی داخـل حیاط در خانه‌هـای عرفـی اردبیـل شـده بـود. در ایـن خانه‌ها نیاز زیـاد بـه گرمـایش فضـاها، کمبـود وسـایل گرمایشی و سوخت موجب صـرفه‌جـویی و قناعـت در مصرف ملزومات گرمایشی می‌شده است.

نسبت توده و فضا: در خانه‌های عرفی اردبیل، فضای نیمه‌باز وجود نداشت. فضاها به‌صـورت همبـاد سـاخته می‌شدند و هیچ پیش‌آمـدگی و عقـب‌نشسـتگی وجـود نداشت. می توان دلایل اقلیمی چـون اجتنـاب از ایجـاد سایه و کنترل فضاها ازنظر حرارت را دلیل عـدم وجـود این نوع فضاها در ساختار خانه‌ها برشمرد. همچنـین در این خانه‌ها، نسبت مساحت عرصه به اعیان نیز بـه‌طـور میانگین به میزان ۰/۸٤ درصد بوده است که این نسـبت نشان از بزرگ‌تر بودن و لذا اهمیـت فضـاهای بسـته در مقایسه با فضای باز در این خانه‌ها دارد. این امـر ناشـی از تداوم سرمای هوا و انجام اغلب فعالیت‌های روزمـره در فضاهای بسته بود.

الگوی فضاها: ترکیـب اتـاق –دهلیـز بـه گونـه‌هـای مختلفی در تمام الگوی خانه‌های عرفی اردبیل به چشـم می‌خورد. گسترش این الگو بـه‌صـورت خطـی بـوده و اندازه دانه‌های آن به مساحت زمین، فضاهای هم‌جـوار، نیازهای خانواده و تمکـن مـالی صـاحب خانـه بسـتگی داشـته اسـت (تصـویر شـماره ۲). الگـوی شـماره (۱) ساده‌ترین گونه ترکیب اتاق – دهلیـز اسـت کـه اساسـاً مختص اقشار کم‌درآمدتر و خانواده‌های کوچک‌تر بـود. در این الگو دهلیز، علاوه بر مسیر دسترسـی، در مواقـع لزوم نقش یک اتاق درجه دوم را داشت. الگوی شـماره (۲)، متداول‌ترین الگو بوده است. معمولاً یکی از اتاق‌ها ازلحاظ اندازه، نورگیری یا تزئینـات ارجحیـت بیشـتری داشته و هنگام حضور مهمان به‌عنوان اتاق مهمان کاربرد داشته است یا به خانواده بـزرگ‌تـر و قـدیمی‌تـر تعلـق می‌گرفته است. دهلیز میانی رابط میان تمـامی فضـاهای خانه از قبیل حیاط، اتاق‌هـا و مطـبخ اسـت. در الگـوی شماره (۳)، قلمروبندی و تفکیک حرایم فضاهای خانـه جنبه آشکارتری پیدا می‌کند. معمولاً یکـی از بخـش‌هـا نسبت به بخش دیگر دارای اولویت بوده است. الگـوی شماره (٤) کامل‌ترین ترکیب اتاق – دهلیز است. در این الگو، اتاق میانی نسبت به اتاق‌های دیگر جایگاه برتـری داشته و اغلب به‌عنوان اتاق مهمان کاربرد داشـته اسـت. وجود دو دهلیز یا دو ورودی در الگوهای شماره ۳ و ٤ به تفکیک فضایی در هنگـام نیـاز بـه محرمیـت کمـک می‌کرده است.



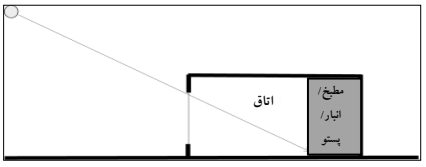
ت۱. ترکیبات مختلف الگوی اتاق – دهلیز در خانه‌های عرفی اردبیل

محوربندی فضاها: الگـوی محوربنـدی در خانـه‌هـای عرفی اردبیل به‌صورت عمودی و افقـی اسـت (جـدول شماره ۱). این محورها در امتداد مسیرهای حرکتی قـرار دارند. به‌نحوی‌که محورهای عمـودی عمـدتاً مسـیرهای ورودی خانه (از کوچه به حیـاط و از حیـاط بـه داخـل خانه) و محورهای افقی مسیرهای حرکتـی داخـل خانـه (میان اتاق‌ها و دهلیزها) را شکل می‌دهنـد فضـاها دارای چیـدمان افقـی و عمـودی بـوده و انتظـام کلـی فضـاها به‌صورت شطرنجی اسـت. در ایـن چیـدمان هـیچ نـوع پیچیدگی دیده نمی‌شود و ارتباطات فضـاها بـه‌صـورت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

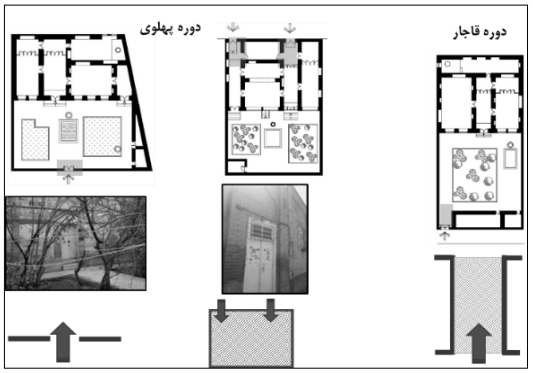
مستقیم و مسیرها خوانا و شفاف است. فضاهای کم تعداد با ترکیب ساده موجب شکل‌گیری محورهای کم تعداد و افزایش خوانایی و سادگی در ارتباطات میان فضاها و افراد و عدم پیچیدگی در رفتارهای درون خانه‌ها شده بود.

لایه‌بندی فضاها: بیشترین عمق فضا در خانه‌های عرفی اردبیل شامل دو لایه بوده و از ایجاد فضا در عمق‌های بیشتر پرهیز می‌شده است. لایه‌بندی فضاها نشان از تفکیک فضاهای خانه به فضاهای خدمات دهنده و خدمات‌گیرنده دارد. در این خانه‌ها، عواملی چون بافت فشرده شهری که اقتضای اقلیمی داشته و نیز درون‌گرا بودن خانه‌ها که وجهی فرهنگی دارد، مانع از ایجاد پنجره در نمای شمالی خانه‌ها شده است. ازاین‌رو، وجه شمالی بنا بدون عملکرد نورگیری بوده و عامل اتلاف حرارت ساختمان به شمار می‌رفته است. در این بخش از فضا معمولاً مطبخ، انبار و یا پستو ساخته می‌شد تا بدین‌وسیله حائلی بین فضاهای اصلی زندگی (اتاق‌ها و دهلیزها) و جدار شمالی بنا به وجود آید (تصویر شماره ۳).



ت۳. راهکار حفظ گرمایش خانه در خانه‌های اردبیل

ورودی: با بررسی خانه‌های موجود در این تحقیق، دو نوع ورودی قابل‌تشخیص است: ۱) ورود از طریق دالان ورودی که این موضوع در خانه‌های مربوط به اواخر قاجار قابل‌مشاهده است (خانه‌های ۱ تا ٦). وجود این دالان در ورودی خانه‌ها موجب تعریف سلسله‌مراتب ورود به خانه و تعریف قلمروهای محرمیت (عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی) می‌شده است. دالان وقفه و حائلی برای فرد پیش از ورود به خانه ایجاد می‌کرد و او را از ورود یک‌مرتبه به فضای خانه بازمی‌داشت. از طرفی در این نوع ورودی محرمیت خانه نیز تا حد زیادی تأمین می‌شده است. ۲) ورود بی‌واسطه به خانه که در الگوی خانه‌های دوره پهلوی قابل‌مشاهده است. این نوع ورودی یا طریق حیاط و به‌صورت بی‌واسطه صورت می‌گرفت و یا ازطریق جداره شمالی و مستقیماً به درون خانه شکل می‌گرفت (جدول شماره ۱). شاید بتوان دلایل اجتماعی و فرهنگی مانند کم‌رنگ‌تر شدن اهمیت مؤلفه‌هایی چون محرمیت در دوره پهلوی را در موضوع ورود بی واسطه به حیاط یا حتی به داخل خانه دخیل دانست (تصویر شماره ٤).



ت٤. انواع ورودی در خانه‌های عرفی اردبیل؛ از راست خانه ۳، خانه ۱۱، خانه ۷

حیاط: حیاط بزرگ‌ترین فضا، انتظام‌بخش بسیاری از فضاهای اطراف آن و قرارگاه‌های رفتاری درون آن‌ها است. تنها راه کسب نور و هوا از محیط بیرون، محل اصلی تردد بین فضاهای اطراف و انجام بسیاری از فعالیت‌های روزمره از قبیل استفاده از آب چاه و حوض، شست‌وشوی ظروف و البسه، رسیدگی به باغچه‌ها و نگهداری طیور، بازی کودکان و ... از دیگر کارکردهای حیاط بوده است. بزرگ بودن فضاهای خانه، ازجمله حیاط، یکی از شاخص‌های خانه خوب به شمار می‌رفته است (تصویر شماره ۵). عنصر مشترک

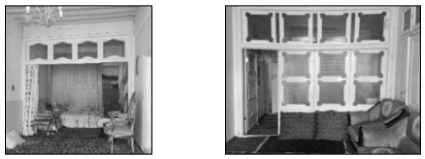
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

در حیاط‌های تمام خانه‌ها باغچه و حوض آب به‌عنوان عناصر طبیعت بود. در باغچه حیاط اغلب خانه ها سبزیجات و میوه برای مصرف خانواده کاشته می‌شد. معمولاً لانه نگهداری طیور نیز برای پرورش مرغ و استفاده از آن وجود داشته است. چاه آب نیز در اغلب خانه‌ها در جوار حوض آب وجود داشت که با تلمبه دستی از آب چاه برداشت می‌شده است. حیاط به‌نوعی قلب خانه بود، تمام بازشوهای خانه، اعم از درها و پنجره‌ها و ورودی اصلی خانه از کوچه، رو به حیاط داشته است.



ت۵. نمونه‌هایی از حیاط؛ راست خانه ۷، چپ خانه ۱۵

اتاق: اتاق‌ها در خانه‌های اردبیل بر سه نوع بودند: طنبی که ازلحاظ اثاث، اندازه، موقعیت و نورگیری نسبت به دیگر اتاق‌ها دارای وضعیت بهتری بود و مختص خانواده قدیمی‌تر و یا مهمان در مواقع لزوم بود؛ اتاق‌های دم‌دستی که اتاق‌های معمولی و پرکاربردترین اتاق‌های خانه بودند؛ و بالاخانه که در برخی خانه‌ها وجود داشت، عمدتاً متشکل از یک دهلیز و یک یا دو اتاق بود. این فضاها روی فضاهایی مانند دهلیز یا مطبخ طبقه همکف، که دهانه سقفشان کم بود، ساخته می‌شدند. دسترسی به بالاخانه از طریق پله‌های موجود در دهلیز طبقه همکف بود. بالاخانه‌ها به‌عنوان بخش‌های خصوصی‌تر خانه کاربرد داشتند. تعداد کم اتاق‌ها برای زندگی خانواده گسترده در یک خانه موجب کاربرد اشترکی اتاق‌ها و انجام طیف وسیعی از فعالیت‌های معمول روزمره در این فضاها می‌شد. بنابراین در ارتباط با فضای اتاق، دو موضوع قابل‌توجه بوده است: ۱) معمولاً در اتاق‌های دم‌دستی جداگرهایی از جنس چوب در بخش انتهایی اتاق ساخته می‌شد که وجود آن‌ها موجب جبران کمبود فضا و نیز انعطاف‌پذیری فضای درون اتاق‌ها می‌شد. با وجود این جداگرها، در مواقع ضروری یک اتاق تبدیل به دو اتاق می‌شد (تصویر شماره ٦). ۲) در داخل اتاق‌ها قلمروبندی پذیرفته‌شده‌ای ازلحاظ میزان اهمیت و ارزش مکانی وجود داشت به این نحو که ارزش قلمروهای داخلی اتاق‌ها تابع دو عامل موقعیت درب ورودی و بازشوهای اتاق بود. معمولاً بخش بالای اتاق که ازنظر فضایی جایگاه برتری داشته، برحسب موقعیت محل نشستن مردها، بزرگ‌ترها در مهمانی‌ها بوده است. این موضوع دلایل اقلیمی و فرهنگی داشته است.



ت٦. دو نمونه جداگر چوبی در خانه‌های عرفی اردبیل راست خانه ۸، چپ خانه ۱۳

دهلیز: همان‌گونه که پیش‌ازاین نیز عنوان شد، ساختار فضایی درون خانه‌های عرفی اردبیل از ترکیب دو فضای اتاق و دهلیز ساخته شده است. دهلیزها به‌عنوان فضاهای مفصلی در خانه‌ها تعریف شده و به‌طور همزمان، نقش مجزاکننده و متصل‌کننده را نیز داشته‌اند. دهلیز صرفاً مسیر نبوده و گاه چون اتاقی فرعی مورداستفاده قرار می‌گرفته است (تصویر شماره ۷).



ت۷. دو نمونه دهلیز در خانه‌های عرفی اردبیل؛ راست خانه ۹، چپ خانه ۵

مطبخ: در خانه‌های اردبیل به دلیل سردی هوا، مطبخ در داخل خانه و در طبقه همکف یا زیرزمین ساخته می‌شد. این فضا اغلب به‌صورت طولی در پشت اتاق‌ها

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

و در بخش شمالی بنا که نورگیری نداشت، ایجاد می‌شد و مانند یک لایه حفاظتی و عایق حرارتی، مانع از اتلاف حرارت درون اتاق‌های شمالی می‌شد. در مطبخ محل هایی برای اجاق، تنور پخت نان، قفسه‌بندی، طاقچه‌ها، انبار هیزم و مواد غذایی و ... تعبیه می‌شد (تصویر شماره ۸).



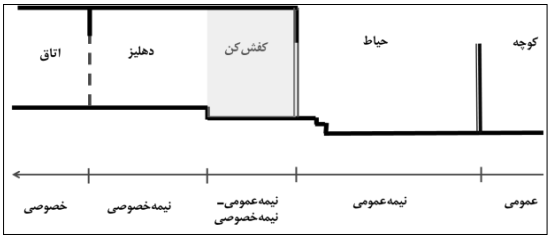
ت۷. نمونه‌هایی از مطبخ در خانه‌های عرفی اردبیل. از راست خانه‌های ۳، ۹

زیرزمین: در اردبیل قدیم به علت بالا بودن سطح آب های زیرزمینی و نیز نیاز به مصالح و تکنیک ساخت خاص، به‌ندرت در خانه‌های عرفی مردم عادی زیرزمین برای خانه ها ساخته می شد. البته در برخی خانه‌های دوره پهلوی زیرزمین وجود دارد که تنها در بخشی از زیربنای خانه ساخته شده است (تصویر شماره ۹).



ت۷. نمونه زیرزمین در خانه‌های عرفی اردبیل در خانه نمونه ۱۱

فضای کفش‌کن: در ابتدای دهلیز در محل ورودی خانه فضای فرورفته ای وجود داشته است. این فضا که گاه با پرده یا جداگر چوبی از فضای دهلیز جدا می شد، فیلتر ورودی خانه و محل درآوردن کفش بود. کف‌سازی این فضا نه به سختی و زمختی حیاط و نه به نرمی کف‌پوش فضاهای داخل خانه بوده است (تصویر شماره ۱۰).



ت۱۰. جایگاه فضای کفش‌کن در سلسله‌مراتب محرمیت در خانه‌های عرفی اردبیل

مقیاس خرد

مصالح و تزئینات: برای ساخت خانه‌ها در اردبیل از مصالح بومی موجود در منطقه استفاده می‌شد. جنس در و پنجره‌ها چوبی و دولایه، کف‌سازی فضاهای داخلی گچ‌وخاک و در کف‌سازی حیاط و مطبخ از نوعی آجر که خاک آن در منطقه موجود بود، استفاده می‌شد. ازاره و پی ها سنگی و دیوارهای باربر خشتی و ضخیم بودند. سقف خانه‌ها تیرپوش بود و تیرها از داخل قابل‌رؤیت بودند. اندود داخلی گچ و فاقد هرگونه تزئین بود. نمای خانه ها دارای پوشش آجری ساده بود و تنها در برخی جاها مانند لبه بام، کتیبه پنجره‌ها و درهای ورودی تزئینات مختصر آجری کار می شد. دیوارهای بیرونی نیز خشتی ساده بودند (تصویر شماره ۱۱).



ت۱۱. تزئینات داخلی و خارجی در خانه‌های عرفی اردبیل؛ راست خانه ۷، چپ خانه ٤

اثاث خانه: اسباب و اثاث خانه‌ها متناسب با زندگی بی تکلف ساکنان، به میزان حداقل بوده و اثاث غیرضروری وجود نداشته است. این امر موجب انعطاف‌پذیری هرچه بیشتر اتاق‌ها می‌شده است. مفرش خانه های اردبیلی شامل فرش، گلیم، پلاس و جاجیم بود و برای گذاشتن وسایل در ضخامت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

دیوارها، کمدها و طاقچه‌هایی تعبیه می‌شده است (تصویر شماره ۱۲). بااین‌حال یکی از اتاق‌ها که زیباتر و بزرگ‌تر بود، در مواقع وجود مهمان، برای پذیرایی از مهمان در نظر گرفته می‌شد. معمولاً ظروف مهمان فقط در مهمانی‌ها استفاده می‌شد. نکته مهم در خانه‌های اردبیل توجه به پاکیزگی و آراستگی فضاهای خانه بود. مرتب و تمیز بودن فضاهای خانه یکی از ارزش‌های خانه و نشانه ادب و مهمان‌نوازی و دین‌داری بوده است.



ت۱۲. نمونه‌هایی از کمد دیواری و پنجره‌های دو لایه در خانه‌های اردبیل

بحث

بر اساس مطالعات زمینه‌ای، عموم مردم اردبیل در دوران اواخر قاجار و اوایل پهلوی از نظر ویژگی‌های محیطی، اقتصادی و جو فرهنگی - اجتماعی غالب، در معرض گزینه‌های تقریباً از پیش تعیین‌شده و گریزناپذیری قرار داشتند. به این معنی که موجود تنگناهای اقتصادی و شرایط سخت اقلیمی، ساختار منسجم و ریشه دار موازین سنتی و مذهبی در جامعه و وجود باورهایی عمیق نسبت به مسائل دینی و عرفی در میان مردم که با گذشت نسل‌ها، صورتی پذیرفته‌شده و درونی به خود گرفته بود، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، بایدها، نبایدها و قوانین را متناسب با این شرایط به وجود آورده بود. الزامات مذکور در قالب معانی پذیرفته‌شده در اذهان مردم نقش بسته و الگوهای رفتاری و فضایی مرتبط با مسکن و سکونت را هدایت می‌کرد. دو عامل «جامعه» و «فرهنگ» را می‌توان به‌عنوان دو عامل زمینه‌ای در شکل‌گیری مسکن در جوامع عرفی دانست و لذا از آن‌ها به‌عنوان مولدهای انتخاب یاد می‌شود. در ادامه به چگونگی تأثیرگذاری این پیشران‌ها در شکل‌دهی به ساختار فضایی خانه‌های عرفی اردبیل پرداخته می‌شود.

جامعه: چگونگی تأثیر جامعه بر شکل خانه در الگوهای عرفی، در قالب سه مؤلفه قابل‌بررسی است که شامل سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی است. مجموعه این سرمایه‌ها، جایگاه اجتماعی افراد در یک جامعه را مشخص می‌نماید. افراد باتوجه‌به سطح و جایگاه اجتماعی‌شان ترجیحات، انتظارات، ارزش‌ها و توانمندی‌های خاصی دررابطه‌با مقوله مسکن و سکونت دارند.

۱. سرمایه اقتصادی: مردم عادی اردبیل در دوره مذکور ازلحاظ وضعیت معیشتی اوضاع چندان مساعدی نداشتند. ازنظر گرایش‌های مصرفی نگرانی از کمبودها و تمایل به قناعت و صرفه جویی در مصرف مواد غذایی و سوخت زمستان و سعی در رسیدن به خودکفایی در تولید برخی مواد مصرفی جزئی از سبک زندگی افراد بوده است. این موضوع در شیوه زندگی و خانه‌سازی این مردم بی تأثیر نبوده است. در باغچه حیاط اقدام به کاشت درختان میوه و سبزیجات می‌کردند و در مواقع نیاز از محصولات باغچه‌ها استفاده می‌کردند. علاوه بر این در حیاط این خانه‌ها محلی برای پرورش طیور ساخته می‌شد. فضاهای خانه‌ها دارای انتظام ساده با محوربندی افقی - عمودی بوده و از گسترش خطی الگوی دوبخشی اتاق - دهلیز پیروی می‌کردند. این ترکیب به نسبت وسع مالی و نیاز خانواده ادامه پیدا می‌کرد و این امر خود دلیلی بر انعطاف‌پذیری الگوی خانه‌ها بوده است. انعطاف‌پذیری در فضاهای داخلی خانه نیز در شکل گذران زندگی چند خانواده در فضاهای محدود با ترفند کاربرد دیوارهای جداکننده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

وجود درهای متعدد میان فضاها وجود داشته است. اثاث این خانه‌ها تنها لوازم ضروری زندگی بوده است. در ساخت فضاها حداقل‌ها در تعداد و اندازه فضاها رعایت شده بود. کمبود منابع مالی و توان اقتصادی این افراد را در عدم توانایی در ساخت زیرزمین و یا امکان ساخت تنها بخشی از فضاها در زیرزمین، استفاده از مصالح معمول بومی و عدم کاربرد تزئینات پرکار در فضاهای درونی و بیرونی بنا نیز می توان دید. کمبود پشتوانه مالی و اقتصادی لزوم تدبیر و دوراندیشی برای ایام سخت، به خصوص زمستان، را ایجاب می کرد. خانه‌ها متناسب با شرایط اقلیمی به‌صورت طولی در یک یا دولایه فضایی و مواجه با جهت جنوب تا جنوب شرقی ساخته می شد. پرهیز از عمق زیاد بنا به علت بسته بودن نمای شمالی خانه و کمک به برخورداری تمام فضاهای خانه از اشعه خورشید بوده است. مطبخ به‌صورت طولی در پشت اتاق‌ها ساخته می‌شد تا هم به عنوان عایق مانع از اتلاف حرارت خانه شده و از طرفی گرمای فعالیت‌های داخل مطبخ به گرمایش فضاها کمک کند. از دیوارهای ضخیم خشتی، پنجره‌های چوبی دولایه و ازاره سنگی نیز به‌مثابه راه کارهایی برای مقابله با سرما و رطوبت استفاده می شد. تأمین آذوقه زمستان نیز از فعالیت‌های معمول در مواقع گرم سال بوده است.

۲. سرمایه اجتماعی: در میان مردم اردبیل، روابط اجتماعی زیاد با همسایگان و خویشاوندان، به‌عنوان یک ارزش و سرمایه اجتماعی شناخته می‌شد. بنابراین حفظ روابط خویشاوندی، همسایگی، حرمت و جایگاه اجتماعی خانواده در زمره ارزش ها، هنجارها و قوانین مورد تأیید جامعه آن روزگار به شمار می‌رفت. نتیجه این امر، رفت‌وآمد مداوم و مشارکت در کارهای جمعی میان خویشاوندان و همسایگان، زندگی مشارکتی خانواده های گسترده، شیوه زندگی مبتنی بر پدرسالاری، رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی و انجام رفتارهای مطابق با هنجارهای جامعه بود که متناسب با موقعیت اجتماعی خانواده انجام می‌گرفت. تشابه در رفتارها و همگن بودن شیوه زندگی، ذائقه‌ها و سلایق در الگوهای فضایی - کالبدی نیز نمود داشته است. ازجمله می‌توان به ساخت حیاط وسیع در خانه برای انجام کارهای جمعی، اختصاص بزرگ‌ترین و زیباترین اتاق به‌عنوان مهمان‌خانه، تفکیک اتاق‌های خانه بر اساس سلسله‌مراتب، انعطاف‌پذیری عملکردی و رفتاری ساکنان در استفاده از فضاهای خانه، رعایت سلسله‌مراتب حریم‌های عمومی تا خصوصی در خانه با استفاده از راهکارهای فضایی و کالبدی و نیز ساخت خانه‌های ساده و بدون هیچ‌گونه تشخص و برتری نسبت به دیگر خانه‌ها، کاربرد الگوهای مشابه برای ساخت خانه‌ها اشاره نمود.

۳. سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی، بخشی از مفروضات اساسی فرهنگ شامل الگوها، هنجارها، الزامات، سلایق و ذائقه‌ها است که در قالب مفاهیم فرهنگی ریشه‌دار و سنتی جامعه نمود یافته و تقریباً در میان عموم مردم جامعه سنتی اردبیل آن روزگار مشترک بوده است. اما میزان سرمایه عینیت‌یافته که شامل محصولات فرهنگی است، محدود و کمتر بوده است. چرا که این نوع سرمایه تا حد زیادی به میزان سرمایه اقتصادی افراد بستگی دارد. ازاین‌رو خانه‌های مردم عادی دوره قاجار و پهلوی در اردبیل، ازلحاظ میزان تزئینات به‌مراتب ساده‌تر بوده و شیوه ساخت و انتظام فضایی خانه‌ها، تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته است. از سوی دیگر تبعیت از الگوهای فرهنگی و سنتی، جزء معانی و هنجارهای پذیرفته‌شده در میان مردم بوده است. در این میان اعتقاد به حفظ مناعت طبع ازجمله

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

ارزش‌هایی بود که موجب حفظ حرمت و آبروداری مردم می‌شده است. حفظ عزت‌نفس و تحمل سختی ایام در مواقع تنگناهای اقتصادی و اقلیمی و تلاش برای حفظ شرایط بهینه زیست در این مواقع، از کنش‌ها و رفتارهای معمول در آن دوران بوده است. در بعد ویژگی‌های کالبدی - فضایی نیز کاربرد الگوهای معمول خانه‌سازی در مقیاس‌های کلان، میانی و خرد بدون القای هرگونه حس تشخص و برتری نسبت به دیگر خانه‌ها، از مهم‌ترین ویژگی‌های خانه‌ها بوده که این موضوع تا حد زیادی متأثر از مشترکات فرهنگی بوده است.

فرهنگ: تأثیر فرهنگ بر شکل خانه در قالب پنج شاخص شامل ارزش‌ها و باورها، مذهب، عرف‌ها و سنن، ایدئال‌ها و انگاره‌های ذهنی قابل‌بررسی است:

۱. ارزش‌ها و باورها: سنت‌گرایی، دین‌داری، حجاب و عفاف، مردم‌داری و شاکر بودن نسبت به نعمت‌ها و داشته‌ها، ازجمله ارزش‌ها و هنجارهای موردتوجه در جوامع عرفی و سنتی در ایران به شمار می‌رود. مظاهر این مفاهیم در زندگی روزمره افراد در قالب الزام به انجام فرایض دینی، احترام به اصول سنتی، احترام به بزرگ‌ترها، رعایت حریم‌های جنسیتی و محرمیت، صله رحم میان خویشان و آشنایان، عدم کفران نعمت و نیز رضایت از داشته‌ها نمود یافته است. نمود این مفاهیم در معماری خانه‌های عرفی در قالب اختصاص مکانی پاک در اتاق‌ها برای نماز و عبادت، اختصاص اتاق‌های بزرگ‌تر یا نورگیر برای بزرگ‌ترهای خانواده، اختصاص یک اتاق برای مهمان، تعبیه ورودی‌های متعدد برای فضاهای داخلی، وجود دو راهرو در برخی خانه‌ها برای تنظیم حریم‌ها و سلسله‌مراتب در مواقع نیاز، سادگی فضاهای مسکونی منطبق بر نیازهای خانواده و مواردی از این قبیل قابل‌مشاهده است.

۲. مذهب: عموم مردم اردبیل از دیرباز مسلمان و شیعه بودند و پایبندی به موازین دینی و شرعی اسلام، از الزامات و هنجارهای پذیرفته‌شده و ریشه‌دار در میان آن‌ها به شمار می‌رفته است. در این باره رعایت اصول فقهی و مذهبی چون حقوق همسایگان، رعایت نظافت همگانی و نیز برپایی مراسم‌های روضه‌خوانی محرم و صفر در خانه‌ها، ازجمله رفتارهای متأثر از این هنجارها به شمار می‌رفت. در هنگام برگزاری چنین مراسمی تمامی فضاهای خانه مورداستفاده قرار می‌گرفت که البته اتاق مهمان در آن از جایگاهی خاص برخوردار بود. همچنین رعایت موازین اسلامی در بنا شامل تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی و عدم اشراف به خانه‌های همسایه، ازجمله الزاماتی بود که به واسطه آن، این ایدئولوژی در الگوی فضایی - کالبدی نمود یافته است.

۳. جهان‌بینی و سنت‌ها: وجود سنت‌ها و عرف‌های تداوم‌یافته به شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و الزامات پذیرفته‌شده‌ای منجر شده بود. ازاین‌رو در بعد رفتاری، برگزاری مراسم‌های مختلف بر اساس عرف و رسوم جامعه، ارتباط نزدیک اهالی خانه به یکدیگر و نیز تربیت فرزندان مطابق با قواعد و هنجارهای جامعه، نتیجه تأثیر مستقیم این عرف‌ها و سنن در زندگی روزمره مردم به شمار می‌رفت. در بعد کالبدی نیز وجود تقسیمات فضایی متفاوت در مواقع مهمانی‌ها و وجود حریم‌های فضایی خرد در فضاهای داخلی خانه، ازجمله نمودهای این شیوه تفکر به شمار می‌رفت.

٤. ایدئال‌ها: همانند هر جامعه‌ای، ایدئال‌های مردم اردبیل، در نظر داشتن آرمان‌ها و بهترین وضعیت در قبال موقعیت‌های مختلف مادی و معنوی بود. این ایدئال‌ها در مواردی چون داشتن جایگاه اجتماعی مناسب در سطح جامعه، تلاش در جهت مسلمان کامل بودن، سهولت در معیشت و داشتن اوقاتی خوش با

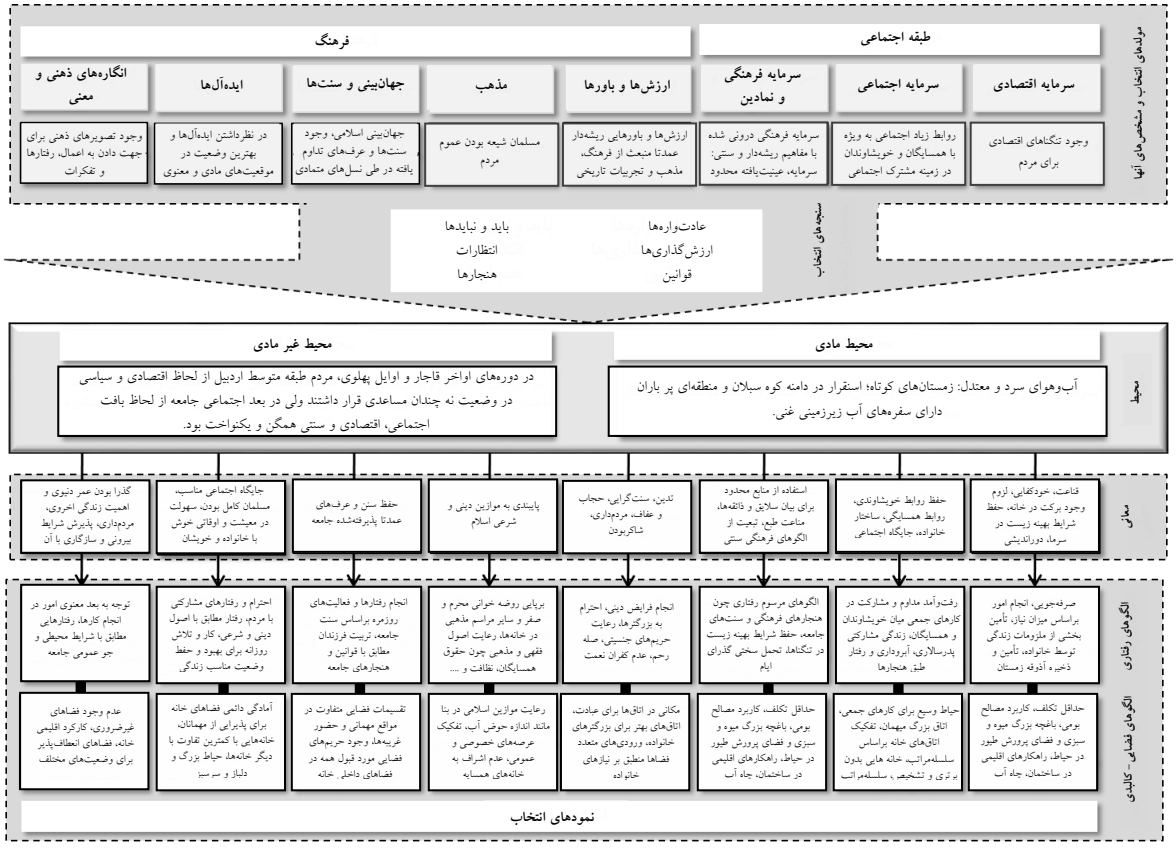
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]

[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

خانواده و خویشان نمود می‌یافت. به‌منظور نیل به این موارد، احترام به مردم و انجام رفتارهای مشارکتی با آن‌ها، انجام کارها مطابق با اصول دینی و شرعی، آمادگی دائمی برای پذیرایی از مهمانان و نیز کار و تلاش روزانه برای بهبود و حفظ وضعیت مناسب زندگی، ازجمله رفتارهای روزمره بود. در بعد کالبدی نیز می‌توان به ساخت حیاط بزرگ، سرسبز و دل‌باز در خانه، ساخت خانه هایی با کمترین تفاوت با دیگر خانه‌ها و نیز ایجاد بستری برای پذیرایی بی‌تکلف و صمیمی خویشان و نزدیکان اشاره کرد.

۵. انگاره‌های ذهنی: تصویرهای ذهنی ناخودآگاه و اساسی در دو بعد کلی دنیوی و اخروی قابل دسته بندی بودند که در این باره پذیرش درونی نسبت به موضوع گذرا بودن عمر دنیوی و اهمیت زندگی اخروی از یک‌سو و نیز پذیرش شرایط بیرونی و سعی در سازگاری با آن از سوی دیگر، ازجمله مهم‌ترین نمودهای این طرز تفکر به شمار می‌رفت. بر همین اساس می‌توان به توجه به بعد معنوی امور در انجام کارها و نیز انجام رفتارهایی مطابق با شرایط محیطی و جو عمومی جامعه اشاره کرد. همچنین نمود کالبدی آن در عدم ساخت فضاهای غیرضروری در خانه، کارکرد اقلیمی خانه و نیز ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر برای وضعیت‌های مختلف در خانه بوده است.

در تصویر شماره ۱۳، روند توصیف‌شده در مطالب گفته‌شده بر مبنای مسیر تبیین‌شده در چهارچوب نظری تحقیق پیگیری و ترسیم شده است.



ت۱۳. نمودار توصیفی روند شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی اردبیل بر اساس چهارچوب نظری تحقیق

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

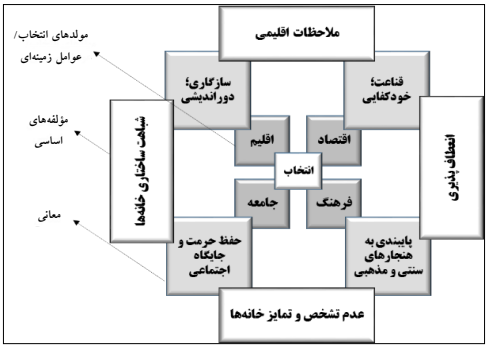
بر اساس آنچه عنوان شد، سنجش چهارچوب نظری تحقیق در رابطه با خانه‌های عرفی اردبیل، درنهایت به تعدادی الگوهای فضایی - کالبدی منجر شده است که اجزای اساسی ساختار این خانه‌ها را تشکیل می‌دهند. با دسته‌بندی مجدد این الگوها عوامل زمینه‌ای مولد آن‌ها آشکار گردیده است. بر اساس تنظیم و دسته‌بندی الگوها بر اساس شباهت‌های کارکردی و عملکردی آن‌ها چهار عامل «اقتصاد»، «اقلیم»، «جامعه یا طبقه اجتماعی» و «فرهنگ» عوامل زیربنایی در صورت‌دهی و شکل دادن به ساختار خانه‌های عرفی اردبیل هستند (تصویر شماره ١٤). بنابراین علاوه بر فرهنگ و جامعه، عوامل محیطی اقلیم و اقتصاد نیز در جایگاه مولدهای انتخاب جای می‌گیرند. می‌توان چنین اذعان داشت که این عوامل از طریق تأثیرگذاری بر انتخاب‌های افراد، به تولید معانی و از آن طریق به شکل‌گیری الگوهای کالبدی - فضایی و رفتاری مرتبط با مسکن و سکونت دامن زده‌اند.

اقتصاد	اقلیم	جامعه	فرهنگ
- حداقل تکلف - باغچه بزرگ میوه و سبزی و فضای پرورش طیور در حیاط - عدم وجود فضاهای غیرضروری - کارکرد اقلیمی خانه (کاهش هزینه‌های گرمایشی) - فضاهای انعطاف‌پذیر برای وضعیت‌های مختلف - مساحت کم خانه‌ها از لحاظ عرصه و اعیان	- کاربرد مصالح بومی - یک یا دو لایه بودن فضاهای خانه (عمق کم فضاها) - ساخت مطبخ و انبار در پشت فضاهای اصلی - پنجره‌های دولایه - حفر چاه آب - جهت‌گیری به سمت جنوب و جنوب شرقی - کاربرد الگوهای بومی خانه‌سازی در مقیاس‌های کلان، مبانی و خرد	- تدارک حیاط برای کارهای جمعی - اتاق بزرگتر برای مهمان - سلسله‌مراتب کالبدی محرمیت (تفکیک عرصه‌های خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی) - عدم اشراف به خانه‌های همسایه - آمادگی دائمی فضاهای خانه برای پذیرایی از مهمانان - ساخت خانه با کمترین تفاوت با دیگر خانه‌ها	- تفکیک اتاق‌ها بر اساس سلسله‌مراتب افراد خانه - خانه‌هایی ساده و بدون برتری و تشخیص - قلمروبندی ضمنی اتاق‌ها - ورودی‌های متعدد فضاها براساس نیازهای خانواده - تقسیمات فضایی و کارکردی متفاوت در طول شبانه‌روز و مواقع مهمانی و حضور غریبه‌ها - کاربرد الگوهای سنتی و پذیرفته‌شده خانه‌سازی

ت١٤. دسته‌بندی عوامل مؤثر بر الگوهای فضایی - کالبدی خانه‌های عرفی اردبیل بر اساس عوامل مولد آن‌ها

نتیجه

در این پژوهش، بر اساس چهارچوب نظری ارائه‌شده، در ابتدا دو عامل «فرهنگ» و «جامعه» به‌عنوان مولدهای انتخاب در شکل‌دهی به نظام کالبدی و رفتاری خانه‌های عرفی اردبیل مدنظر قرار گرفت. در ادامه، ازطریق تجزیه‌وتحلیل داده‌های مربوط، به تأثیر الزاماتی چون ارزش‌ها، بایدهاونبایدها، هنجارها و معانی منتج از آن‌ها دست یافته و با بررسی جمیع شرایط ازجمله ویژگی‌های فضایی خانه‌ها، الگوهای رفتاری جاری در آن‌ها، شرایط حاکم بر جامعه سنتی و نیز مواردی از این قبیل، این نتیجه حاصل شد که به‌غیراز فرهنگ و جامعه، عوامل محیطی دیگری چون «اقلیم» و «اقتصاد» نیز در شکل‌گیری ساختار فضایی - کالبدی این خانه‌ها، نقش مولد را دارند (تصویر شماره ١٤). بر اساس آنچه مطرح شد می‌توان مدلی برای نمایش عوامل مؤثر بر ساختار خانه‌های عرفی و نحوه ارتباط آن‌ها ترسیم کرد (تصویر شماره ١٥). مدل مذکور نوعی استحاله از چهارچوب نظری تحقیق است که با ویژگی‌های خاص موضوع تحقیق تطبیق داده شده است. در این مدل برخلاف مدل مسیر شکل‌گیری الگوهای فضایی و رفتاری، دو عامل اقتصاد و اقلیم در جایگاه مولدهای انتخاب قرار گرفته‌اند. چگونگی تدوین مدل به این صورت بوده که در ابتدا مسیر چهارچوب نظری برای هر کدام از مولدها به‌تنهایی در نظر گرفته شده سپس با نظر به هم‌پوشانی‌ها و شباهت‌ها، مسیرهای تدوین‌شده در یک مدل نهایی جمع‌بندی گردیده و ارتباطات میان عوامل و مؤلفه‌ها در سطوح مختلف نشان داده شده است.



ت١٥. مدل مفهومی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار خانه‌های عرفی اردبیل

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]
[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]

پی‌نوشت

1.Bourdieu
2. Gibson

فهرست منابع

– آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

– افشاری، محسن؛ پوردیهیمی، شهرام؛ صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۹٤)، سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چهارچوب نظری، یک مطالعه موردی). مسکن و محیط روستا، ۱۵۲، ۱٦-۳.

– ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، سال ۳ (۲)، ٤٤-۱۵.

– حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ شهروز، بهاره. (۱۳۹۸)، نقش زمان در شکل‌گیری سطوح مختلف معانی مکان. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۲ (۲۷)، ۷۵- ٦۷.

– خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ مهدی، علی؛ طاووسی، مهدی. (۱۳۹٤)، ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی مسکن بومی. مسکن و محیط روستا، ۱٤۹، ۱۲- ۳.

– خوش‌اندام، زهره؛ وزیری، وحید؛ حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۷)، راهکارهای حفظ ارزش‌های معماری عرفی در طراحی بناها و محلات معاصر شهر اردبیل. اندیشه معماری، سال ۲ (٤)، ۵۲- ٤۵.

– راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.

– صفری، بابا. (۱۳۷۱)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ۳ جلد، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.

– لنگ، جان. (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- Bourdieu, P. (1984). Distinction. Translated by Richard Nice. London: Routledge.
- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In J. G. Richardson (Ed.). Handbook of Theory and Research for Sociology of Education. New York: Greenwood Press.
- Coolen, H. (2008). The meaning of dwelling features, Conceptual and methodological issues. Amsterdam: IOS Press.
- Gibson, J. (1979). The Ecological Approch to visual Perception. Boston: Houghton Mifflin.
- Hanson, J. (1998). Decoding Homes and Houses. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rapoport, A. (1969). House form and culture. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Rapoport, A. (2003). Cultura, Arquitectura y Diseño. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-08]

[DOI: DOI: 10.22034/41.178.19]